

سوژه‌ی اصلی را سمت راست کادر بگذاریم

سوژه‌ی اصلی را سمت راست کادر بگذاریم

برایان پترسون

با قانون یک سوم‌ها در ترکیب‌بندی همه‌ی ما آشنا هستیم. در این قانون نکته‌ای هم هست که دقت به آن مهم است: اگر ما سوژه‌های اصلی را در یک سوم سمت راست عکس‌مان قرار بدهیم، عکس بهتر و موفق‌تری از نظر بصری خواهیم داشت. فرقی هم نمیکند این سوژه‌ها پرتوی یک کارگر باشد، کمباینی در یک مزرعه‌ی گندم باشد، یا گلدانی در یک پنجره. شاید بشود گفت که این یک "قانون" روانشناختی است. روشن است که تقسیم‌بندی یک سوژه/دو سوم از نظر هارمونی و هماهنگی در کادر بهترین نتیجه را می‌دهد، اما چرا باز ترجیح با این است که سوژه‌ی اصلی در یک سوم سمت راست قرار بگیرد؟

چشم به طور طبیعی از سمت چپ به هر فضایی "وارد می‌شود" و مسیرش را به سمت راست ادامه می‌دهد. این فقط وقتی ما به یک عکس نگاه می‌کنیم صدق نمی‌کند، بلکه وقتی به یک تابلو نقاشی نگاه می‌کنیم، کتاب می‌خوانیم، یا حتی وارد اتاقی می‌شویم هم همین اتفاق می‌افتد. و بلافاصله بعد از وارد شدن به کادر از سمت چپ، نگاه دنبال نقطه‌ای می‌گردد که روی آن قرار بگیرد و بایستد، که این نقطه هم در بیشتر موارد ترجیحاً در سمت راست کادر است.



این دو جفت عکس را با هم مقایسه کنیم. چه احساسی داریم وقتی سوژه‌ی اصلی در یک سوم چپ کادر قرار گرفته ؟ بدون شک احساس خوبی نخواهیم داشت. حس می‌کنیم که انگار یک اشکالی در عکس وجود دارد.

اما درست زمانی که خیال می کنیم "قوانین" ترکیب بندی همه جا صادق است، به عکسی برمی خوریم که این منطق قرار دادن سوژه در سمت راست را به هم می ریزد. مثلا در عکس زیر، چهره ی این کارگر کارخانه ی فولاد، هیچ جای دیگری غیر از سمت چپ کادر به این خوبی جواب نمی دهد. چرا؟ به دلیل قدرت خطوط همگرای پشت پرتره. این خطوط چشم را به سمت خود می کشند، اما بعد آن را به پرتره برمی گردانند. این رفت و برگشت نگاه، احساس خوشایندی در بیننده بوجود می آورد.



اما وقتی عکس را طوری بچرخانیم که پرتره در سمت راست کادر قرار بگیرد، انگار که یک جای کار می‌لنگد. در سمت چپ کادر فضای "مرده"‌ای وجود می‌آید که به نظر می‌رسد اگر کراپ شود بهتر است. به علاوه، وقتی چشم وارد کادر می‌شود، از یک طرف به سمت راست تمایل پیدا می‌کند و می‌خواهد روی چهره توقف کند و از طرف دیگر با نیروی خطوط همگرا به سمت چپ کشیده می‌شود، که این تمایل دوگانه، احساس ناخوشایندی را ایجاد می‌کند. ولی اگر فضای مرده سمت راست کادر باشد، ما برخورد بصری متفاوتی با آن داریم، زیرا نگاه که از چپ وارد کادر می‌شود، توسط خطوط همگرا به راست برده می‌شود، اما دوباره برمی‌گردد و این بار در جلوی کادر، چشم در چشم پرتره آرام می‌گیرد.



از کتاب:

Learning to See Creatively

Design, Color & Composition in Photography

Bryan Peterson, Amphoto Books, 2003, pp. 100-101

ترجمه‌ی: مسعود قارداش پور طرفی